



جهانی شدن و تغییر ارزش‌های خانواده

محمد نصیری

جهانی شدن چیست؟

به طور کلی جهانی شدن به معنی مترکم شدن جهان و انباشت آگاهی در دنیا است و در تفکر و عمل، جهان به مثابه یک مکان واحد قلمداد می‌گردد که در آن جوامع ملی، بویژه افراد، مجبورند موجودیت خود را به عنوان بخشی از یک مجموعه بزرگتر بپذیرند. اگرچه این پدیده در حوزه اقتصاد مطرح شده، ولی همه نظام‌های اجتماعی - فرهنگی را دستخوش تغییر و تحول کرده است و این نظام‌ها نیز به نوبه خود جهانی شدن در حوزه اقتصاد را تقویت نموده‌اند.

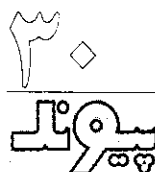
جهانی شدن در نزد اشخاص و صاحب‌نظران دارای دو معنی متفاوت است. در یک معنی که دیدگاه لیبرالیستی از جهانی شدن است، هدف، ایجاد رقابت میان نظام‌های اجتماعی - سیاسی، عمومی شدن معیارهای سوددهی و انباشت هر چه بیشتر سرمایه ملی است. این دیدگاه حاکم بر کشورهای غربی است که دارای توان

بالای تولید کالاها و خدمات در سطح بین‌المللی‌اند و برای به چالش کشیدن سایر جوامع، بویژه در زمینه اقتصادی، از ابزارهای مختلف، همچون: شرکت‌های چند ملیتی، سازمان‌های بین‌المللی، وسایل ارتباط جمعی و... استفاده می‌کنند.

معنی دیگر جهانی شدن، استفاده هر چه مطلوبتر از منابع امکانات جهان برای رفاه حال افراد بشر و مبارزه با فقر و بی‌عدالتی است و برای دستیابی به این هدف همکاری هر چه بیشتر دولت‌ها و سازمان‌های جدید (NGOها) مدنظر قرار می‌گیرد. در هر یک از معانی جهانی شدن، بویژه دیدگاه لیبرالیستی، برای دستیابی به اهداف، جهت‌دهی به ارزش‌ها و فرهنگ خانواده به عنوان مهمترین راه برگزیده شده است.

ارزش‌ها و رابطه آن‌ها با خانواده

ارزش‌ها اصول و اخلاقیاتی‌اند که در وجود هر شخص جای می‌گیرند و حتی زمانی که کسی توجهی بدان‌ها ندارد، راهنمای



اعمال و انتخاب‌های او قرار می‌گیرند. بنابراین، ارزش‌ها در تضمین رفتار سازگار افراد با محیط، بسیار قدرتمندتر از رویه‌ها، قواعد، قوانین و مقررات‌اند. ارزش‌ها، همیشه وجود دارند تا انسان‌ها بر مبنای آن‌ها به موقعیت‌ها واکنش نشان دهند، مگر این که دستخوش تغییر شوند. اساسی‌ترین واحد ایجاد ارزش‌ها خانواده است. ترکیب اعضای خانواده در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است. در برخی جوامع خانواده شامل زن و شوهر و فرزندان است و یک واحد نسبتاً مستقل را به وجود می‌آورند. در برخی دیگر از فرهنگ‌ها پدر بزرگ‌ها، مادر بزرگ‌ها و... نیز جزو خانواده محسوب می‌شوند. بر اساس هر یک از ترکیب‌ها، ارزش‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرند. به جز خانواده، مؤسسات آموزشی نقش بسیار زیادی بر ایجاد ارزش‌ها در افراد ایفا می‌کنند. ارزش‌های ایجاد شده در افراد جزئی از شخصیت آن‌ها می‌گردد و از آن جا که شکل‌گیری شخصیت در سال‌های اولیه زندگی سریع است، توجه به عملکردهای خانواده و مدرسه در زمینه‌های تربیتی کودک و نوجوان از اهمیت بالایی برخوردار است. ارزش‌ها از بطن ایدئولوژی و جهان‌بینی افراد نشأت می‌گیرند و با واقعیت‌های محیطی در هم می‌آمیزند و به صورت ضوابط و معیارهای اساسی، روند حرکت خانواده، مدرسه و جامعه را مشخص می‌سازند. ارتباط خانواده با ارزش‌ها ارتباطی دوسویه است. خانواده که مؤثرترین نهاد تربیت فرزندان است، در ایجاد و تقویت ارزش‌ها در آنان نیز اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کند و هنگامی که ارزش‌ها به مرور زمان در وجود کودکان و نوجوانان نهادینه شدند، جهت و چگونگی حرکت آن‌ها را به سوی آینده معین می‌سازند. ارزش‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- ارزش‌های انسانی و پایدار

این ارزش‌ها، باورهایی‌اند که از متن ایدئولوژی بیرون آمده، درست را از نادرست مشخص می‌سازند و پایه و اساس نظام خانواده را تشکیل می‌دهند. این دسته از ارزش‌ها معمولاً پایدار بوده، اصالت خود را برای همیشه حفظ می‌کنند. آن‌ها اخلاقی، انسانی و اجتماعی‌اند. برخی از این ارزش‌ها، همچون راستگویی،

وفای به عهد و... در همه مکاتب و جوامع مورد احترام‌اند و برخی به يك مکتب و جامعه اختصاص دارند. در جامعه ممالین ارزش‌ها بر گرفته شده از اصول پایدار اسلام و احکام الهی و متکی بر ویژگی‌های اصیل ایرانی‌اند.

۲- ارزش‌های کارکردی

این ارزش‌ها در ارتباط با امور اجرایی و استفاده از امکانات و تسهیلات، هم‌چنین دستاوردهای علمی و فنی بشر در هر دوره مطرح می‌شوند و رابطه مستقیم با شیوه زندگی، فناوری و پیشرفت‌های آن داشته، همواره در معرض تبدیل و تغییرند.

دگرگونی ارزش‌ها

از آن جا که ارزش‌های اساسی بر گرفته شده از ایدئولوژی و جهان‌بینی‌اند، امکان تغییر و دگرگونی در آن‌ها کمتر از ارزش‌های کارکردی است. چنان‌چه خانواده‌ها اصالت ایدئولوژی خود را حفظ کنند و در تربیت فرزندان خود روش‌های مناسب را به کار گیرند، ارزش‌های کارکردی همواره از ارزش‌های اساسی پیروی می‌کنند و از چهارچوب آن‌ها فراتر نمی‌روند. در غیر این صورت، ارزش‌های کارکردی نقش غالب پیدا می‌کنند و ارزش‌های اساسی را تحت الشعاع خود قرار داده، تابع می‌سازند.

حضرت علی (ع) در نامه خود به فرزند خویش امام حسن (ع) می‌فرماید:

«فرزند عزیز، در راه ادب آموزی تو از فرصت استفاده کردم و قبل از آن که دل کودکانم سخت شود و عقلت به اندیشه‌های دیگر مشغول گردد، به تربیت تو مبادرت نمودم و وظیفه پدری خود را انجام دادم.»

امام صادق علیه السلام نیز در همین باره می‌فرماید:

«بهترین ارثی که پدران برای فرزندان خود باقی می‌گذارند ادب و تربیت صحیح است، نه ثروت و مال.»

هانری اسکالیموفسکی، اندیشمند غربی، نیز می‌گوید: «ارزش‌های کارکردی غالباً به صورت تحمیلی جای ارزش‌های نهایی را می‌گیرند. اغلب گفته می‌شود که بالا بردن سطح زندگی



مردم، ارزش نهایی است که همه کوشش‌ها را توجیه می‌کند. در صورتی که ارزش‌های اصیل باید اخلاقی، انسانی و اجتماعی باشند و با آن دسته از ارزش‌های درونی که در آن‌ها هدف نهایی زندگی تشریح شده، مرتبط گردند».

در دیدگاه لیبرالیستی از جهانی شدن، که خاص کشورهای قدرتمند است، به علت غیبت مکتب یا ایدئولوژی اصیل، که بتواند ارزش‌های اساسی و هدف‌گرا را بر جامعه و خانواده حاکم کند، مسیر حرکت در تسلط ارزش‌های کارکردی است و منطق وسیله جویی و تسلط، منطق غالب در این جوامع می‌باشد.

این جوامع با نگاه جهانی سازی و با بهره‌گیری از تئوری‌های تغییر و نیز شناختی که از سایر ملل در نتیجه تحقیقات به عمل آمده از ویژگی‌های ارزشی و فرهنگی - اجتماعی حاکم بر خانواده‌ها به دست آورده‌اند، به روش‌های مختلف، از جمله استفاده از ماهواره و اینترنت، سعی دارند ارزش‌های کارکردی همچون: رفاه‌طلبی، لذت جویی، بی‌تفاوتی به هنوع و غیره را بر خانواده‌های سایر جوامع حاکم سازند که نتایجی همچون: از خود بیگانگی، از دست دادن هویت، سرخوردگی از محیط‌های اجتماعی - فرهنگی، پوچ‌گرایی و نظیر آن‌ها را به دنبال دارد. آن‌ها در پی ایجاد نوعی فرهنگ جهانی‌اند که ویژگی‌های آن عبارت‌اند از: نسبی‌گرایی، همسان‌سازی، محلی‌سازی، روابط جهانی و مجادله‌های فکری. در این فرهنگ، ارزش‌ها، اعم از اساسی و کارکردی، همچون سایر پدیده‌ها از نسبییت برخوردارند و به زمان و مکان بستگی پیدا می‌کنند. خانواده در هر زمان و مکان، بنابر مقتضیات جهانی دارای ارزش‌های خاص آن زمان و مکان می‌گردد و چنان‌چه تغییری در ارزش‌های جهانی به وجود آید، به ناچار باید پذیرای آن باشد.

امروزه در جامعه ما نیز مانند سایر جوامع، استفاده از فناوری‌های نوین گسترش بسیار زیادی یافته و به تبع آن دانش خانواده‌ها و نگرش آن‌ها نسبت به جهان و پدیده‌های آن تغییر یافته است. ارزش‌های کارکردی جای خود را در خانواده باز نموده‌اند و در مواردی توانسته‌اند ارزش‌های اساسی را با خود همراه و بعضاً تابع خود نمایند.

در مواردی تضاد بین ارزش‌های اساسی و کارکردی میان والدین و فرزندان، به‌ویژه در مناطق شهری، مشکلاتی برای خانواده‌ها به همراه داشته است که از جمله آن‌ها می‌توان افزایش بزه‌کاری، فرار از خانه و... را نام برد.

در يك نگاه سیستمی به پدیده‌های جهان هستی، جوامع، خواه ناخواه در معرض پدیده جهانی شدن و جهانی سازی قرار خواهند گرفت و ارزش‌های حاکم بر خانواده‌ها، که هسته اصلی آن‌ها قلمداد می‌شود، دستخوش تغییر و دگرگونی می‌گردد. بسیاری از کشورها برای کاهش اثرهای سوء جهانی سازی، طرح‌ها و برنامه‌هایی را به مورد اجرا گذاشته یا در دست اقدام دارند و فعالانه با این پدیده ارتباط برقرار کرده‌اند.

برای کاهش اثرهای سوء جهانی شدن یا جهانی سازی، درکنار سایر برنامه‌ها و اقدامات، توجه به نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

- ۱- استفاده از روش‌های مناسب برای تقویت ارزش‌های بنیادی؛
- ۲- شناخت و تجزیه و تحلیل ارزش‌های کارکردی و آگامسازی خانواده از آن‌ها؛
- ۳- برقراری ارتباط منطقی میان ارزش‌های بنیادی و ارزش‌های کارکردی؛
- ۴- افزایش آگاهی خانواده‌ها نسبت به جهانی شدن و جهانی سازی و اهداف آن‌ها؛
- ۵- ایجاد ارتباط مناسب و منطقی میان خانواده‌ها و سایر سیستم‌های اجتماعی از جمله مدارس.

فهرست منابع:

- حدیث تربیت، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۰.
- دعائی، حبیب‌الله (۱۳۸۴). سازمان‌ها در بستر جهانی شدن. تهران: انتشارات بیان هدایت نور.
- خور، مارتی (۱۳۸۳). ترجمه دکتر احمد ساعی. جهانی شدن و جنوب. تهران: نشر قومس.
- زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۷۹). مدیریت فراملیتی و جهانی. تهران: انتشارات سمت.

